



علم اجمالی و علم تفصیلی در عین مورد معامله

تالیف

مسعود وطن ملک

مجید وطنی مسلک

ویراستار

سحر خوئینی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

فهرست مطالب

۹.....	پیشگفتار
۱۱.....	فصل اول
۱۱.....	کلیات
۱۳.....	تعریف و اقسام عین
۱۳.....	عین معین یا شخصی (خارجی)
۱۴.....	در حکم عین معین
۱۵.....	کلی
۱۵.....	معلوم یا معین
۱۷.....	ضرورت معلوم بودن مورد معامله
۱۸.....	عمومی بودن قاعده
۱۹.....	عناصر لازم برای معلوم شدن عین
۱۹.....	جنس
۲۰.....	وصف
۲۱.....	مقدار
۲۲.....	طرق رفع ابهام از عین مورد معامله
۲۲.....	رفع ابهام از عین معین و در حکم معین
۲۷.....	شیوه رفع ابهام از کلی
۲۷.....	نقش عرف در معلوم شدن عین مورد معامله
۳۳.....	فصل دوم
۳۳.....	شناخت علم اجمالی و علم تفصیلی در مورد معامله
۳۵.....	علم اجمالی و اصل اعتبار آن در قرار دادها
۳۵.....	تعاریف علم اجمالی در حقوق ایران
۳۶.....	تعریف علم تفصیلی
۳۷.....	مراحل تحقق علم تفصیلی
۳۸.....	تعریف علم تفصیلی از منظر فقها
۳۸.....	ابن سینا
۳۸.....	ملاصدرا
۳۹.....	صدرالمتهین
۴۰.....	تعریف علم تفصیلی از منظر حقوقدانان
۴۲.....	شرایط اساسی صحت معامله



۴۳	تعیین جنس
۴۴	وصف مورد معامله
۴۶	تعیین مقدار
۴۸	عقودی که علم اجمالی برای تحقق آن کفایت می کند
۴۸	ضمان
۴۹	جعاله
۴۹	صلح
۵۰	هبه
۵۰	رهن
۵۱	مهريه
۵۱	مبانی پذیرش و عدم پذیرش علم اجمالی در حقوق قراردادها
۵۱	اصل عدم اعتبار علم اجمالی در قراردادها
۵۳	تحلیل مبانی اصل عدم اعتبار علم اجمالی در قراردادها در مرحله اجرای قرارداد
۵۵	موارد جریان اصل صحت
۶۰	لزوم تحقق عنوان عمل در معاملات
۶۳	فصل سوم
۶۳	بررسی نظریات مربوط علم اجمالی در فقه امامیه
۶۵	علم اجمالی و تفصیلی
۶۶	چگونگی جمع علم و اجمال
۶۶	محل بحث از علم اجمالی در علم اصول
۶۷	فرق بحث در مبحث قطع و اشتغال
۶۷	نظر شیخ انصاری
۶۷	نظر آخوند خراسانی
۶۸	نظر امام خمینی
۶۹	نظریات برخی از فقها در مورد علم اجمالی
۶۹	در شبهات محصوره
۶۹	حرمت مخالفت قطعی
۷۰	وجوب موافقت قطعی
۷۱	در شبهات غیر محصوره
۷۱	نظریات برخی از حقوقدانان در مورد علم اجمالی
۷۱	نظریه تعلق علم اجمالی به فرد مردد



۷۳.....	نظریه تعلق علم اجمالی به واقع یا فرد
۷۹.....	نظریه تعلق علم اجمالی به جامع
۸۱.....	معلوم بودن مورد معامله
۸۳.....	مبیع باید معلوم و معین باشد
۸۴.....	تعیین مبیع
۸۵.....	مبانی لزوم تعیین ثمن
۸۵.....	مبانی عقلی
۸۵.....	نظم عمومی

۸۷..... فصل چهارم

۸۷.....	جایگاه علم اجمالی در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه
۸۹.....	معین بودن ثمن
۸۹.....	مفهوم معین بودن
۸۹.....	تعریف معین بودن
۹۰.....	قلمرو معین بودن
۹۰.....	تردید در اشیاء مثلی و قیمی
۹۲.....	تعهد تخییری و تعهد بدلی (اختیاری)
۹۶.....	ایجاب مردد
۹۷.....	شروط مردد
۹۹.....	ضمانت اجرای معین نبودن ثمن
۱۰۰.....	معلوم بودن ثمن
۱۰۰.....	مفهوم معلوم بودن
۱۰۰.....	تعریف معلوم بودن
۱۰۳.....	مقایسه اشتباه و معلوم نبودن
۱۰۴.....	حدود معلوم بودن
۱۰۷.....	ضابطه معوض یا غیر معوض بودن معامله
۱۰۹.....	ضابطه مغایبتهای یا مسامحه‌ای بودن معامله
۱۱۱.....	ضابطه عرفی
۱۱۸.....	مبانی علم اجمالی در معامله در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه
۱۱۸.....	وجه اشتراک مبانی علم اجمالی در معامله در حقوق مدنی ایران
۱۲۰.....	ضرورت معلوم بودن مورد معامله
۱۲۰.....	عمومی بودن قاعده



- ۱۲۱وجه اشتراک مبانی علم اجمالی در معامله در فقه امامیه
- ۱۲۴مبانی عدم اعتبار علم اجمالی در معامله در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه
- ۱۲۶مبانی عدم اعتبار علم اجمالی در فقه امامیه
- ۱۲۸احادیث و روایات
- ۱۲۹بحث سندی
- ۱۲۹بحث دلالت
- ۱۳۱منابع و مآخذ
- ۱۳۱الف (منابع فارسی)

پی‌شگفتار

برابر ماده ۲۱۶ قانون مدنی، مورد معامله نباید مبهم باشد؛ یعنی از لحاظ جسم و وصف و مقدار باید معلوم و مشخص باشد، مگر "در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است" در این که در چه مواردی علم اجمالی کافی است و ضابطه آن چیست، علمای حقوق اختلاف نظر دارند. بعضی از استادان حقوق "موارد خاصه" را مواردی می‌دانند که در قانون تصریح شده است، مانند دین مورد ضمان یا نوع تجارتي که عامل (مضارب) در مضاربه باید انجام دهد برخی دیگر از حقوق دانان با استفاده از پاره ای موارد قانونی بر آنند که فقط در عقود مسامحه (عقود مبتنی بر تسامح و احسان) علم اجمالی کافی است برخی دیگر از استادان حقوق نظریه مختلطی را پذیرفته و گفته‌اند: "هم در عقود مسامحه و هم در عقود دیگری که نیازهای اجتماعی ایجاد کند علم اجمالی به موضوع معامله کفایت می‌کند" و در ضمن اشاره کرده‌اند که نیازهای اجتماعی را قانون‌گذار باید تشخیص دهد و نباید تشخیص آن را به قاضی واگذار کرد. قانون مدنی ایران بر پایه فقه امامیه استوار گردیده است. ادعای جدایی کامل قانون مدنی از فقه و بی‌نیازی از منابع اسلامی، ادعایی بی‌اساس است. با اینحال باید اذعان کرد که سازمانهای حقوقی ما چنان است که آگاهی از قواعد و مبانی فقه اسلامی، در عین حال که کمال ضرورت را دارد، برای مطالعه و تحقیق پیرامون مسائل مدنی کافی نیست. لذا امروزه، باید نیازهای جدید را با اجتهاد نوین و قواعد تکامل یافته پاسخ داد. در حقوق ما یکی از شرایط صحّت هر عقدی معلوم بودن مورد معامله به طور کامل و تفصیلی است که این اصل از اصول عقلی بوده که شارع مقدّس اسلام هم تأکید خاصی بر آن داشته است. اما قانونگذار ما به طور استثنایی علم اجمالی را نیز برای صحّت برخی موارد کافی دانسته است که تعریف و مصادیق این علم استثنائاً معتبر، در حقوق ما مبهم و مورد اختلاف است.

فصل اول

کلیات

